



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۲۶-۷)



سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان در برابر جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی

افشین پارسایی^۱

دکتر علیرضا سایبانی^۲ ✉

دکتر امیرحسین رهگشا^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۸

چکیده

تلفیق و هم‌زمانی اصطلاح جرایم سازمان یافته با مفهوم جرایم خاص حقوقی از جمله پیچیدگی‌های امروزی طرح راهکارهای حمایت از بزه دیدگان جرایم مذکور است. ارتکاب جرایم سازمان یافته مختلف چون قاچاق انسان، واردات داروهای روانگردان، قاچاق اعضای بدن، واردات خودروها و کالاهای مسروقه به سایر کشورها و بسیاری جرایم علیه سلامت، آن هم بنام اشخاص حقوقی و به روز بودن رفتارهای آنها در کنار پیچیدگی قابل توجه بزهکاری‌هایشان، باعث رشد روزافزون مصادیق نقض حقوق بزه دیدگان و آسیب‌های متعدد به جوامع مختلف شده است. در حقوق ایران، پراکندگی و عدم قاطعیت همراه با ابهام مقررات مرتبط، زمینه را برای نقض حداکثری اصل حمایت از بزه دیدگان به وجود آورده است. در این پژوهش سعی شده که با شناسایی اصول و بایسته‌هایی در ابعاد فوق‌الذکر جرم شناختی و حقوقی، دفاع قابل توجهی را در برابر قدرت برخاسته از سازمان یافتگی اشخاص حقوقی در جرایم مختلف سازمان یافته ارائه نماییم. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی است.

واژگان کلیدی: جرایم سازمان یافته، بزهکاری اشخاص حقوقی، راهکارهای جرم شناختی، حمایت کیفری، حمایت مدنی جبرانی

۱. دانشجوی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

✉ saybani.a@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

با توجه به گسترش قابل توجه جرایم سازمان یافته، و همچنین وقوع روزافزون آنها از طریق شرکت‌ها و اشخاص حقوقی برای تداوم و پنهان ساختن فعالیت‌های مجرمانه و همچنین ارتکاب بسیاری جرایم در خلال آنها، ضرورت پرداختن به حمایت از بزه دیدگان این اشخاص را بسیار پررنگ می‌سازد. به علاوه آنکه مقابله با جرایم سازمان یافته یکی از چالش‌های عمده قرن بیست و یکم است؛ زیرا با جهانی شدن و توسعه روابط در دنیای معاصر، فرصت‌های وقوع این جرایم نیز رشد چشمگیری پیدا کرده است. از این رو در بُعد حقوقی، نظام کیفری یک کشور نیز باید هم گام با پیشرفت‌های بسیار سریع در شگردهای ارتکاب جرایم سازمان یافته نسبت به ترسیم یک سیاست کیفری جامع در مسئولیت کیفری مرتکبان این جرایم اقدام نماید. بُعد مهم این سیاست کیفری تبیین جهات مسئولیت اشخاص حقوقی در حمایت همه جانبه و یا مکلف ساختن آنها به جبران رفتارهای زیانبارشان است؛ بویژه در حالتی که سازمان یافتگی در قالب یک شخص حقوقی تبلور پیدا کند. جرایم اشخاص حقوقی چنانچه به طور سازمان یافته ارتکاب یابند عموماً به مرزهای سرزمینی خاصی محدود نمی‌شوند و در همان محدوده سرزمینی نیز نوع خاصی از بزه دیدگان را به وجود نمی‌آورد. قاچاق انسان یا قاچاق مواد مخدر به طور سازمان یافته و به نام یک شخص حقوقی، تجارت خودروهای مسروقه به کشورهای دیگر به شکل سازمان یافته از سوی شخص حقوقی، واردات کالاهای ناقض سلامت با اطلاعات جعلی به کشور با بستر یک شخص حقوقی، قاچاق اعضای بدن در قالب یک شخص حقوقی درمانی و غیره از جمله مصادیق جرایم سازمان یافته ای هستند که وقوعشان با وجود شخص حقوقی تسهیل می‌گردد. در ادبیات بین المللی جرم شناختی و حقوقی برخی از کشورهای پیشرو ضوابط و اصولی کلان برای حمایت حداکثری از بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی به طور عام پیش بینی شده است. این پژوهش درصدد است تا راهکارهای جرم شناختی و قانونی سازوکارهای حمایت از بزه دیدگان در برابر جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی را تبیین نماید. با توجه به اینکه رویکرد حقوق کیفری ایران در این زمینه بسیار ضعیف، مبهم و توأم با چالش‌های متعددی است و از طرفی جرم خیزی قابل توجه، آن هم به دلیل وجود بسترهای مختلف در ایران، مجال قابل توجهی را برای ظهور جرایم مختلف سازمان یافته با انواع پوشش‌ها از جمله اشخاص حقوقی فراهم می‌سازد بنابراین نگاه مرحله مدار به انواع حمایت‌های حقوقی از بزه دیدگان این جرایم را ضروری می‌سازد. از این رو، در این مقاله با دسته‌بندی دو گانه از حمایت‌های قابل طرح، در دو بُعد حمایت‌های جرم شناختی و حقوقی، به آسیب‌شناسی وضعیت مقررات و آموزه‌های موجود پرداخته است و راهکارهایی در جهت تقویت حداکثری آنها بیان شده است. با توجه به اهمیت حقوق بزه دیدگان در جرایم سازمان یافته این مقاله به صورت تخصصی به

تبیین موضوع طرح شده اشاره خواهد داشت. در پژوهش پیش رو ابتدا به تبیین حمایت‌های جرم شناختی - بزه دیده شناختی اشاره کرده، و پس از آن حمایت‌های حقوقی شکلی و ماهوی را بررسی خواهیم نمود. در نهایت راهکارهای جبران خسارت بررسی خواهد شد.

۱. مفاهیم

۱.۱. حمایت‌های جرم شناختی - بزه دیده شناختی

از آنجا که مقررات و سیاست‌های حقوقی-قانونگذاری گاه ریشه در مطالعات جرم شناختی دارد، در زمینه حمایت از بزه دیدگان جرایم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی نیز می‌توان با مقدم ساختن بحث از آنها، در قالب شناخت راهکارهای برخاسته از مطالعات جرم شناختی و بزه دیده‌شناسی به آسیب‌شناسی تقنینی نحوه حمایت پرداخت. در ادامه با تأکید بر دو جنبه مهم از علوم جنایی تجربی، یعنی جرم‌شناسی پیشگیری و بزه دیده‌شناسی حمایتی در مقام بحث از حمایت‌های جرم‌شناختی تلاش می‌شود.

۱.۱.۱. حمایت‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه

در کاربردی‌ترین شاخه جرم‌شناسی، یعنی جرم‌شناسی پیشگیری، می‌توان مؤلفه‌های قابل توجهی را برای افزایش حمایت همه جانبه از بزه‌دیدگان به رسمیت شناخت. معاونت‌های اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم دادگستری‌ها، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم با همکاری سازمان‌های مختلف، نیروی انتظامی، واحدهای حقوقی و فرهنگی-اجتماعی وزارتخانه‌های مختلف و غیره، چنانچه بر رسالت‌های پیشگیرانه خود پایبند باشند می‌توانند در اقسام مختلف رویکردهای پیشگیری از جرم، از پیشگیری وضعی گرفته تا پیشگیری کیفری، موثر واقع شوند.

۱.۱.۲. نظارت دقیق و مستمر بر فعالیت‌های اشخاص حقوقی و کاهش رقم سیاه این بزهکاری

رقم سیاه و خاکستری جرایم اشخاص حقوقی به دلیل تمایل به مخفی ماندن و ارتکاب در محیط‌های همواره بسته بالا بوده و آمار دقیقی از این جرایم موجود نمی‌باشد. طبق بررسی‌های انجام شده و واقعیات موجود، رقم سیاه در این جرایم بالاست و اغلب این جرایم در آمارهای رسمی راجع به میزان ارتکاب جرم وارد نمی‌شوند. جرم‌شناسان دلیل این مطلب را در توان فکری و مهارت بالای این بزهکاران می‌دانند. به همین دلیل است که برخی نویسندگان از جرایم یقه سفیدی و شرکتی با عنوان بزهکاری پنهان یاد می‌کنند. زیرا این نوع از جرایم در آمار جنایی وارد نمی‌شوند و جزو رقم سیاه بزهکاری محسوب می‌شوند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۰: ۴۱). در کنار این

مسئله عامل دیگری هم وجود دارد و آن عدم رغبت قربانیان جرم به گزارش دهی این جرایم است. این بی میلی معمولاً دو دلیل دارد: اول اینکه ارتکاب این جرایم، به ویژه کلاهبرداری، به دلیل ساده لوحی قربانی جرم تلقی می شود و چه بسا این امر موجبات استهزای وی را فراهم کند. به علاوه، معمولاً شرکت های بزرگ تجاری، حیات اقتصادی شان در گرو اعتماد مردم است. لذا به خوبی می دانند که مطلع کردن پلیس از ارتکاب جرم، موجب رسانه ای شدن موضوع می گردد و این امر موجب سلب اعتماد عمومی از شرکت خواهد شد. لذا ترجیح می دهند تا موضوع را فراموش کرده و پیگیری نکنند (برای مطالعه بیشتر ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۸-۲۹ و موسوی مجاب، ۱۳۸۳: ۷۳). در برخی کشورها مراکز تخصصی در این حوزه تاسیس شده است. برای مثال در انگلستان مرکز جرایم شدید سازمان یافته (SOCA) با توجه به هدف عمده خود در راستای دریافت موارد وقوع جرایم سازمان یافته و آغاز تعقیب نسبت به آنها، کاهش بسیار زیادی را در این گونه جرایم ایجاد کرد (Goldstock, 1994: 43). لذا در صورت وجود تلاشی نظام مند در خصوص تحلیل مشکلات خاص این جرایم و شناسایی آماج دسترس پذیر، کاهش وقوع این جرایم بهتر محقق خواهد شد. پذیرش چنین تدبیری خود مستلزم سرمایه گذاری بر تحلیل ساختار فرصتی است که الگوهای حل مشکلات ناشی از جرم قلمداد می شود؛ زیرا از خلال آنها می توان دریافت که کدام شیوه در پیشگیری از این جرم مؤثر است و به چه صورتی باید آن را تعدیل نمود. این نهاد سازی نظارتی و انتشار آمار را نباید صرفاً به صورت ملی مدنظر قرار داد بلکه توجه و ارتباط متقابل فراملی^۱ نیز باید در دستور کار قرار گیرد. نهادهای ملی و بین المللی می توانند با بهبود ثبت و نگهداری اطلاعات و نیز امکان دسترسی محققان به آنها، تحلیل های مرتبط با جرم سازمان یافته اشخاص حقوقی را تسهیل کنند، تا به نوبه خود با گسترش اشکال تحلیلی، باعث تأثیر سریع مداخلات پیشگیرانه شوند.

۱.۱.۳. ممانعت در دسترسی قانونی و مشروع اشخاص حقوقی بزه کار به آماج یا بزه

دیدگان جرم

ارتکاب برخی از جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی ممکن است در آینده اشخاص و یا حوزه هایی را بزه دیده نمایند. در این راستا، اقدامات پیگیر رسانه ای و اجرایی می تواند پس از کشف این جرایم از سطح بزه دیدگی آنها بکاهد. لذا چندان بد بودن همکاری میان تمام نهادهای مرتبط با هر حوزه

۱. باید توجه نمود که آمارهای گزارش های جهانی بسیار کلی بوده و کشورها بر مبنای معیار واحدی در جهت رسیدن به این آمارها عمل نکرده اند و بنابراین نمی توان اعتبار چندانی را برای آن ها قائل شد. لذا در خصوص این اشخاص حقوقی و آمار جرایم معضل های بسیاری به چشم می خورد و حداقل بر اساس شواهد موجود باید برنامه ریزی صحیح ملی و آماربایی احتمالی برای تدابیری پیشگیرانه را مدنظر قرار داد.

عملیات مجرمانه اشخاص حقوقی می‌تواند پیشگیری قابل توجهی را به دنبال داشته باشد. مولفه مهم دیگر آن است که برخی از این جرایم به مناسبت و در بستر فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای ارتکاب می‌یابند. یعنی مرتکب از موقعیت شغلی خود استفاده کرده تا از این فعالیت‌های مشروع به شکل غیرقانونی بهره‌مند شود. وجود این خصوصیت باعث می‌شود تا بزه‌کار به بزه دیده خود دسترسی قانونی و مشروع داشته باشد. مثلاً از کارخانجات و فروشگاه‌های خرد انتظار می‌رود تا تبلیغ نموده و محصولات خود را معرفی نمایند که این فعالیت‌ها طبیعی و قانونی است اما اساساً فرصت برای ارتکاب جرایم شرکتی را فراهم می‌کنند. برای نمونه، کارخانجات تولیدکننده مواد غذایی ممکن است ادعاهای نادرستی را درباره ارزش غذایی و بهداشتی محصولات خود مطرح کنند. در سال ۱۹۹۴ کمیسیون تجارت فدرال مقرر داشت که شرکت استوفر^۱ درباره «سطح پایین سدیم»^۲ در خط تولید محصولات آشپزی خود ادعاهای دروغ و فریبنده‌ای را مطرح کرده است (بنسون، مایکل و سیمپسون، سالی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

۱.۱.۴. اصالت سنجی مستمر از اشخاص حقوقی و اعلام موارد بی اعتبار

اصالت سنجی می‌تواند شرکت‌های ثبت نشده را از ثبت شده شناسایی نماید و از این رو، اعتبارسنجی جامع می‌تواند از ادامه فعالیت‌های غیرقانونی جلوگیری نماید. بدیهی است که جرایم اشخاص حقوقی در هر نوع سازمان یافته و غیر سازمان یافته آن، با عدول از وظایف و اساسنامه‌ها و استانداردهای رفتاری آنها رخ می‌دهد. اینکه یک شخص حقوقی به‌طور برنامه مشخص نانوشته و با سوء استفاده از اغفال بزه‌دیدگان تولیدات و یا خدمات خود را خارج از انتظار عرف و قانون انجام می‌دهد در قبال رفتارهای خود که گاه عنوان مجرمانه پیدا می‌کنند و گاه صرفاً به خساراتی منتهی می‌شود مسئولیت دارد. عملکرد نهادهای نظارتی از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک مبتنی بر اصالت سنجی دوره ای عملکرد آنها می‌تواند اقدام پیشگیرانه موثری تلقی گردد. در حال حاضر می‌توان کارآیی سامانه شناسنامه ملی اشخاص حقوقی را ارتقا داد و با شمول درج موارد و حوزه‌های تخطی آنان در این شناسنامه، برای مراجع مختلف و سازمان‌های دولتی و غیردولتی حمایت کننده از بزه دیدگان به عنوان مثال سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان یا سازمان‌های مردم نهاد و انجمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان فراهم گردد. این رویکرد با رهیافت‌های جرم شناسی پیشگیری و تدابیر پیشگیرانه ی وضعی همخوانی دارد و از طریق آن می‌توان با افزایش خطر ارتکاب، اطلاع رسانی برخاسته از آن را نیز با رهیافت‌های پیشگیری اجتماع

1. Stouffer
2. Low Sodium

مدار همسو دانست. در راستای تقویت عملی این اصالت سنجی، می‌توان ارتباط عملکرد با بازرسان استاندارد و دیگر بازرسان را تقویت نمود و اطلاعات لازم و کارشناسی شده را از آنان دریافت و مستمسک اصالت سنجی قرار داد.

۱.۱.۴.۱. حمایت‌های برخاسته از رهیافت‌های بزه دیده شناسی حمایتی

حذف مؤلفه‌های منفی و ضعف بزه دیدگان اشخاص حقوقی در قالب بزه دیده شناسی حمایتی می‌تواند جنبه‌ها و راهکارهای قابل توجهی را در راستای حمایت همه جانبه از بزه دیدگان مرتبط بدست دهد. اصل مهم مورد تأکید برخی نویسندگان در حمایت از بزه دیدگان اشخاص حقوقی آن است که حمایت باید وسیع باشد، بویژه نسبت به جرایم فرامرزی اشخاص حقوقی^۱ تسری یابد. بزه دیده شناسان معاصر کمتر به افراد توجه کرده و بیشتر به فهم ساختاری فرایند قربانی‌شناسی علاقه‌مند هستند و این کار از طریق فهم تأثیر شیوه‌های مختلف زندگی بر الگوهای بزه‌دیده‌شناسی، مدل «شیوه زندگی»، صورت می‌گیرد. این مفهوم مبنا و پایه بسیاری از تفکرات مربوط به بزه‌دیده‌شناسی جزایی است و به توسعه آن کمک شایانی کرده است؛ در نتیجه شامل سؤال‌هایی درباره الگوهای رفتاری مثل عضویت در سازمان و گروه می‌شود. این تلقی از بزه‌دیده‌شناسی اگرچه در رویکرد اصلی خود، ساختاری است، اما بر روی الگوهای از قربانی‌شناسی جزایی تمرکز دارد که به جرم در مفهوم معمول و پذیرفته‌شده مرتبط می‌شوند. این مفهوم پذیرفته‌شده و معمول شامل جرائم سازمان‌یافته است. برای تلفیق نمودن انواع دیگر قربانی‌شناسی در مفهوم اصلی و کلی، به‌عنوان مثال آنچه در پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد، نظیر بزه دیده شدن اطفال و زنان در جرایم سازمان‌یافته (McLaughlin, 2017: 314).

۱.۱.۴.۲. افزایش توانایی اشخاص در تشخیص و آگاهی از بزه دیدگی

در این جرایم معمولاً وقوف بزه دیده یا شاکی از بزه‌دیدگی خود، مدتها پس از ارتکاب جرم حاصل می‌شود و حتی بسیاری از بزه‌دیدگان از ورود آسیب به خود ناآگاه هستند و نمی‌توانند خودشان را به‌عنوان بزه دیده ببانند (Hazel, 2009: 128) و این امر به دلیل این است که بزه دیدگی در این جرایم معمولاً غیر مستقیم و غیر ملموس است و لذا بزه دیدگان یا متوجه بزه دیدگی خود نمی‌شوند یا با تأخیر متوجه می‌گردند. مثلاً در جرایم زیست محیطی ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی مانند ایجاد آلودگی هوا یا تخلیه زباله های سمی، آثار بزه دیدگی با تأخیر ظاهر می‌شود، چون افراد در معرض این جرایم، با مرور زمان بیمار شده و آثار بزه دیدگی شان نمایان می‌گردد. در جرایم تقلب محور و بردن مال در دفعات مکرر از مشتریان نیز بسیاری از بزه دیدگان بعد از گذشت زمان متوجه بزه دیدگی خود می‌شوند. لذا در جرایم اشخاص حقوقی، آثار جرم نوعاً آنی نیست و در

1. cross-border corporate crimes

طول زمان مشخص می‌شود. مثلاً در جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان مانند کالای بی‌کیفیت مواد غذایی یا خودروسازان، یا تبلیغات خلاف واقع و کم‌فروشی، بزه دیده در لحظه، متوجه بزه دیدگی خود نمی‌شود، بلکه مصرف‌کننده و متعاقباً اقتصاد کشور در طول زمان از بزه دیدگی خود آگاه می‌شوند یا حتی ممکن است اصلاً آگاه نشوند. اینکه یک شخص حقوقی در اقدامی کالای آلوده^۱ را به طور وسیع منتشر می‌نماید و این اقدام با همان ویژگی‌های جرم سازمان‌یافته صورت می‌گیرد، از زمان وقوع تا حصول نتیجه و تشخیص علت بودن این رفتار سازمان‌یافته ممکن است زمانی طول بکشد. لذا حضور گسترده سازمان‌های مورد اعتماد دولت و نهادهای قضایی در تمام کشور و اعلام سریع از سوی آنها می‌تواند بر سرعت تشخیص و آگاهی بزه دیدگان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد (ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۳: ۷۶). به علاوه، این آثار ممکن است ارتباط مستقیمی با جرم ارتكابی نداشته باشد. مثلاً کشور ثروتمندی که با جرایم مالی و اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی روبرو است، به مرور زمان دچار بحران و فقر می‌شود و فساد، همه ارکان جامعه، از جمله دولت را فرا می‌گیرد، قدرت خرید مردم کم می‌شود، مشکلات بهداشتی و سلامتی در بین مردم رواج می‌یابد (نجفی ایرند آبادی: ۱۳۹۶: ۲۲۱۹).

۱.۱.۵. جامعیت بخشی در بزه دیدگان مورد حمایت

هر تدبیری که برای مقابله حمایت‌گونه با بزه‌کاری سازمان‌یافته اتخاذ می‌گردد باید در وهله اول به این نکته توجه کرد که بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی به تناسب وسعت رفتارشان گسترده هستند. بزه دیده جرایم این اشخاص هم اشخاص حقیقی هستند و هم اشخاص حقوقی مانند سازمان‌ها. در یک تقسیم‌بندی پلیس آمریکا، بزه دیدگان جرایم شرکتی را به دو گروه "بزه دیدگان انسانی (فردی)"^۲ و "بزه دیدگان غیرانسانی"^۳ (حیوانات، محیط زیست و...) تفکیک نموده است. آمارها حاکی از آن است که بزه دیدگان غیرانسان نه تنها کمتر، بلکه در سطح بزه دیدگان انسانی هستند. سازمان‌های دولتی عمده‌ترین قربانیان جرایمی مانند کلاهبرداری، جعل و اختلاس

۱. نمونه عملی این مورد در ایران، پرونده مشهور به بیماران هموفیلی بود که در اثر بی‌مبالاتی مسئولان ذیربط و خرید خون‌های آلوده از فرانسه و تزریق آن به بیماران، تعدادی از افراد مجروح و بعضاً مقتول شدند. از آنجایی که آثار این جرم تأخیری بود، امکان برقراری رابطه علیت میان مرگ و میرها و خرید خون‌های آلوده دشوار بود. هرچند که در عمل حکم به پرداخت خسارت بزه دیدگان شد اما در مسئولیت کیفری و بحث انتساب، مشکلات زیادی پدید آمد. برای مطالعه بیشتر رک. رأی شماره ۱۴۳۴ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۳ صادره از شعبه ۱۰۶۰ دادگاه عمومی تهران. لازم به ذکر است که خواندگان این دعوا، وزارت بهداشت، سازمان انتقال خون و شرکت پژوهش و پالایش خون ایران بودند.

2. Individual victims
3. Non person victims

هستند.^۱ اینکه این اشخاص در رفتارهای سازمان یافته خود ممکن است چندین رفتار را مرتکب شوند از مولفه‌های مهم و مبنایی است. لذا بر این مبنای، باید چنین در نظر گرفت که به تناسب هر یک از این مصادیق جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی باید اقدام حمایتی متناسب اتخاذ گردد. چتر حمایتی در برابر این رفتارها اصولاً باید گسترده و اصل بر شمول باشد و خروج از آن نیازمند دلیل باشد.

۱.۱. پوشش کامل خسارت‌های بزه دیدگان

جرایم سازمان یافته‌ی شرکت‌ها معمولاً بزه دیده مشخص و مستقیمی ندارند، ولی آثار غیر مستقیم و غیر ملموس آن، عده زیادی را شامل می‌شود. شاید به دلیل همین ویژگی باشد که برخی گمان کرده اند که این جرایم جزو جرایم بدون بزه دیده^۲ هستند. در حالیکه این سخن صحیح نیست چون معمولاً بزه دیده این جرایم، غیر مستقیم و غیر ملموس هستند. مثلاً در جرم فرار مالیاتی که بین شرکت‌ها بسیار شایع است، دولت به طور مستقیم و افراد به طور غیر مستقیم بزه دیده هستند چون باید مالیات بیشتری داده و خدمات کمتری دریافت کنند. به همین دلیل است که برخی جرم‌شناسان معتقدند که بزه دیدگی در این جرایم با معیارهای بزه دیدگی در جرایم سنتی، تطابق کامل ندارد. مهم ترین دلیل آن هم تأثیر غیر مستقیم اغلب این گروه از جرایم بر جوامع، تشکل‌ها و شرکتهاست تا بر یک فرد معین (Newburn, 2007:450) در این مورد باید توجه داشت که در این بزه دیدگی‌های غیر مستقیم، در بسیاری از موارد مانند قربانیان محیط کاری یا جرایم زیست محیطی که باعث مرگ یا جراحت افراد می‌گردد، قصد عمدی و مستقیم آسیب رساندن وجود ندارد، بلکه اعمال آن‌ها به طور غیرمستقیم باعث بزه‌دیدگی افراد می‌شود و عده زیادی از افراد فارغ از سن و جنسیت در معرض این بزه دیدگی‌ها قرار می‌گیرند (Hazel, 2009:136)

۲. حمایت‌های حقوقی

به لحاظ حقوقی، نیاز است تا قدرت اشخاص حقوقی در برابر بزه دیدگان با وضع مقرره‌ها و مؤلفه‌هایی در مقررات شکلی و ماهوی متوازن گردد. این موضع باعث می‌گردد که در نهایت به به لحاظ حقوقی نیز در برابر رفتارهای مجرمانه سازمان یافته و چندبُعدی اشخاص حقوقی حمایت درخوری از بزه‌دیدگان صورت گیرد.

1. Braithwaith, John, White collar crime, Annual review social, vol 11, No 1, P 25.
2. Victimless crimes

۱.۲. حمایت‌های حقوقی شکلی

برخی از حمایت‌های قانونی-حقوقی را می‌توان با درج در مقررات دادرسی افتراقی ناظر به جرایم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی سامان‌دهی نمود. این حمایت‌ها از یک سو با ترسیم چارچوب جامع تر برای تعقیب و همچنین پیش‌بینی مراجع اختصاصی مرتبط و در نهایت اجرای قوی مجازات‌های تعیین شده در مقام تأمین آرامش نسبی و بازدارندگی در نقض حقوق زه‌دیدگان جامعه برمی‌آید.

قبل از پرداختن به جزئیات بحث در ادامه باید اشاره کرد که موانع مختلفی ممکن است که حمایت شکلی از زه‌دیدگان را تحت‌تأثیر قرار دهد، از جمله مصونیت‌هایی که برخی مقررات برای اشخاص حقوقی قائل می‌شوند، مصونیت‌هایی که تعقیب این جرایم را دشوار می‌سازد. لذا مقابله با این موارد^۱ شرط اولیه‌ی این بُعد از حمایت می‌باشد. مانع احتمالی دوم عدم شفافیت مقابله کیفی شکلی است که تضمین این شفافیت^۲ بر آثار مثبت این حمایت می‌افزاید (Binnie, 2016: 64).

۲.۲. حمایت از گزارش‌دهندگان و اعلام‌کنندگان جرایم اشخاص حقوقی

به تدریج، تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی چون سیاست جنایی مشارکتی و افزایش مقبولیت عملکرد نهادهای قضایی در تعقیب جرایم و همچنین مقابله با اطالهٔ دادرسی و بی‌کیفرمانی بزه‌کاران، اعلام جرم واجد جایگاهی قابل توجه در دادرسی‌های کیفری جرایم مهمی چون جرایم سازمان‌یافته شد (Kramer, 2012: 3). از طرف دیگر، با توجه جهانی شدن برخی جرایم و افزایش روزافزون جرایم اقتصادی و به ویژه جرایم سازمان‌یافته فرا ملی و تشکیل گروه‌های مجرمانه که نه فقط امنیت داخلی بلکه امنیت بین‌المللی را نیز به مخاطره می‌اندازند چاره‌ای جز توسل به شهروندان و استفاده از اطلاعاتی که فقط برخی از آنان به مناسبت شغل یا موقعیت خاص خود در اختیار دارند و حتی اجبار آنان، در برخی موارد، به اطلاع رسانی و تعیین مجازات برای مطلع ممتنع، وجود ندارد. در واقع، نخستین جنبه مشارکت مردم در فرآیند کیفری به کشف و تعقیب جرم بر می‌گردد که حتی با انحصار دولت‌ها، مردم می‌توانند از گذر اعلام و افشای جرم در فرآیند کیفری مشارکت کنند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۲: ۱۵۲) به طور کلی مفهوم اعلام جرم (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۸-۲۵)، نمایانگر مصداقی است که اعلام‌کننده به شکلی قولی، نسبت به اخبار جرم

1. Fight impunity for cross-border corporate crimes by choosing to assert jurisdiction

2. Guarantee accountability and transparency in the justice process when pursuing corporate crimes

واقع شده اقدام می‌نماید. این مصداق به نحوی است که در ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اولین مصداق و قبل از اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم نهاد به رسمیت شناخته شده است. پس از آنکه فرض اساسی اعلام جرم به شکل شفاهی به رسمیت شناخته شد، مقنن در ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اعلام جرم کتبی را پیش‌بینی می‌نماید. قسمت اعظمی از این جرایم، از قبیل جرایم بازار سرمایه، جرایم بانکی، جرایم مقرر در قانون کار، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده، واجد متضرران هستند و نقش سازمان‌های جامعوی در این راستا می‌توانست بسیار مؤثر ارزیابی گردد.

همچنین نکته مهم و قابل استفاده در تمام جرایم از جمله جرایم اشخاص حقوقی به شکل سازمان‌یافته آن است که در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قانونگذار حمایت از اعلام‌کنندگان را چنین پیش‌بینی کرده است: «بازپرس به‌منظور حمایت از بزه دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند». در ابعاد دیگری از جرایم اشخاص حقوقی می‌توان اعلام جرم برخی دیگر اشخاص را موثر دانست.

قانون‌گذار مصادیقی چون اعلام جرم از سوی کارکنان دولتی و روسای ادارات را در موادی چون ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به رسمیت می‌شناسد. همچنین در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۳۹۶ آمده است: «کلیه اشخاص مطلع از جرائم موضوع این قانون موظفند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضائی ذیصلاح اعلام کنند، در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند». یکی از ضوابط مهم مرتبط که این بُعد از حمایت را تقویت می‌کند آن است که از مطلعان و گزارش‌دهندگان حمایت‌های مانند عدم نشر مشخصات آنان، حمایت پلیسی، پرداخت تشویقی‌های مناسب صورت بگیرد.^۱ در حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا ضابطه‌مندسازی مواردی چون اعلام جرم از سوی اعضای درونی شرکت‌ها و جرم‌انگاری ترک گزارش فساد عامل مهمی در ارتقای جایگاه کارکرد این نهاد در مقابله با جرایم مهم بوده است (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۶). در نتیجه ی این مصداق از حمایت حقوقی، رویکرد قانونگذار که جنبه‌های مختلف اعلام جرم را پیش‌بینی کرده است شایسته و قابل قبول می‌باشد. اما با این وجود می‌توان توجه به دو بعد مهم را برای افزایش اثربخشی این حمایت مدنظر قرار داد؛ از یک سو اعتلای جایگاه اعلام جرم در حد شکایت برای

1. Put in place appropriate measures and incentives to protect victims, informants, whistleblowers witnesses and experts in corporate crimes cases

آغاز تعقیب کیفری علیه اشخاص حقوقی مرتکب جرایم سازمان‌یافته و از سوی دیگر اقامه دعوی گروهی^۱ معادل شکایت را به عنوان راهکارهای مناسب در تعقیب جرایم این اشخاص حقوقی تلقی نمود.

۳.۲. اختصاصی - افتراقی کردن مراحل مختلف دادرسی کیفری نسبت به اشخاص حقوقی

افتراقی‌سازی پاسخ دهی کیفری قضایی به اشخاص حقوقی مرتکب جرایم سازمان‌یافته حاکی از این نکته مهم است که پس از آنکه جرایم این اشخاص شناسایی گردید نسبت به ترسیم تمام فرایند به نحو شایسته و متناسب با اقتضائات حمایت محور از بزه‌دیدگان جرایم سازمان‌یافته اقدام گردد. در این راستا ترسیم سیاست‌های حاکم اهمیت اولیه و اساسی دارد. اینکه کلیت حاکم بر تمام این فرایند آیا سخت‌گیرانه باشد یا ترمیمی، التیام بخش و یا امنیتی بر جهت‌گیری و نحوه پیش‌بینی تمام مراحل تأثیر خواهد گذاشت. به علاوه اینکه بحث از امکان ورود عدالت ترمیمی و حل و فصل‌های سازشی در این جرایم نیز می‌تواند بحث قابل توجهی را مطرح سازد. زیرا امروزه عملکرد نهادهای داوری در رسیدگی به اختلافات بازرگانی، اقتصادی از جمله در قالب بازار سرمایه از جایگاه مهم روزافزونی برخوردار شده است.

از همین رو، نظام بخشی نحوه رسیدگی و تشریفات آنها می‌تواند به‌عنوان راهبردی مقدم بر کنترل کیفری مدنظر قرار گیرد به عنوان یک اصل برخی از نویسندگان از لزوم تمرکز تعقیب کیفری بر آن دسته از اشخاص حقوقی ای سخن گفته‌اند که بیشترین جرایم منسوب به آنان است.^۲ در راستای تکمیل این تعقیب افتراقی اشخاص حقوقی نیز برخی بر مولفه‌ی دیگر لزوم تعقیب شدیدترین جرایم اشخاص حقوقی سخن گفته‌اند.^۳ (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۵۶-۸۹). پس از آن نهادها، نهادهای دادرسی و مبتنی بر محاکمه خود مستلزم اختصاصی شدن است و تعیین مراجع، قضات و تشریفات ویژه‌ای که با گستردگی، به روز بودن و پیچیدگی جرایم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی به منظور رسیدگی اهمیت دارد. خواه در سطح دادگاه کیفری یک و خواه در

1. Class Action

طرح دعوا به صورت گروهی، فرصت و امکان احقاق حق برای تعداد کثیری از افرادی که به تنهایی انگیزه کافی برای پیگیری مطالبات اندک خود ندارند را فراهم می‌آورد. از طریق این شیوه اقامه دعوا، کارایی سیستم قضایی افزایش می‌یابد و طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد، مقرون به صرفه جلوه می‌نماید (قاسمی و فلاح، ۱۳۹۳: ۸۹). دعوی گروهی در زمینه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، ضد انحصار، حقوق استخدامی، حقوق مدنی، محیط زیست و... طرح می‌شوند.

2. Investigate and prosecute those corporate actors most responsible for the wrong doing
3. Pursue charges that reflect the gravity of the corporate crimes committed

سط دادگاه کیفری دو، ضرورت دارد. نکته‌ی مهم دیگری که می‌تواند حکایت از رویکرد مقدم بر رسیدگی قضایی-کیفری تلقی گردد، در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. به موجب این مقرر «رسیدگی بدوی به تخلفات موضوع مواد ۵۷ (گران‌فروشی)، ۵۸ (کم‌فروشی)، ۵۹ (تقلب)، ۶۰ (احتکار) و ۶۳ (عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع) در مواردی که موضوع شکایت شاکی یا گزارش بازرس حاکی از تخلف بیش از سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، توسط هیأتی متشکل از یکی از رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت با دعوت از شاکی و مشتکی‌عنه انجام خواهد شد.» این امر خود تلاش است بر بازگرداندن اعتماد عمومی به فضای کسب و کار و عدم احاله‌ی رسیدگی‌ها به مراجع قضایی و تعیین کیفر می‌باشد. هرچند مقررات این ماده از کاستی‌هایی نیز در به دلیل بی‌ضابطگی برخوردار است، اما رویکرد تقنینی مبتنی بر قضازدایی در آن قابل توجه می‌باشد. بعد از تعیین مراجع کیفری برای رسیدگی به این جرایم، جهت گیری مهم آن است، تعیین اینکه آیا این جرایم اشخاص حقوقی عمدتاً از جمله جرایم اقتصادی و یا جرایم موثر در اختلال نظام اقتصادی هستند یا خیر اهمیت دارد. در تشریفات رسیدگی نیز پیش بینی استفاده از نظرات کارشناسان و نمایندگان حامی تمام بزه دیدگان، خواه آنانی که شکایت نکرده اند می‌تواند جهت گیری قابل توجهی را بوجود آورد. در این رسیدگی با حضور نمایندگان بزه دیدگان بالقوه و آینده، می‌توان بدون الزام نمودن قاضی برای تعیین مجازات، وی را نسبت به این بزه دیدگان صرفاً مکلف به تعیین جبران خسارت نمود.

۳. حمایت‌های حقوقی ماهوی

با تشریح راهبردهای کلان و مهم در عرصه‌ی سیاست حقوقی شکلی، بُعد مهم دیگر را می‌توان با عنوان حمایت‌های حقوقی ماهوی و قاعده گذاری ناظر به جرم و نوع مجازات پیگیری و بحث نمود. زیرا به نظر می‌رسد که صرف حمایت‌های شکلی روبنایی و بدون حمایت‌های ساختاری و مبنایی ماهوی نمی‌تواند کارآیی لازم را در مقابله کیفری با جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی داشته باشد.

۳.۱. قاعده‌گذاری صریح و توأم با سهولت در مجازات دهی و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

اولین گام در جهت رسمیت بخشیدن و قاعده مند نمودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرایم رایانه‌ای شد. سپس با تصویب قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص

حقوقی به صورت عام پذیرفته شد. بی تردید، پذیرش فراگیر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نشان از درک بالای قانون گذار نسبت به واقعیت قضایی و جرم شناسی این اشخاص و اهمیت حمایت از بزه دیدگان دارد (برای مطالعه بیشتر شریفی، ۱۳۹۵؛ جعفری، ۱۳۹۵: ۸؛ موسوی مجاب، و رفیع زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۸). اهمیت پیش بینی تقنینی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، اگرچه اهمیت بالایی دارد، اما جزئیات مختلف مرتبط با نظریه های مبنایی در مسئولیت کیفری از یک سو و همچنین عدم رفع قانون اختلاف نظری های مختلف در این راستا کماکان مجال نقض حداکثری حقوق بزه دیدگان می گردد. این بحث که گاه جرایم سازمان یافته با بستر شخص حقوقی عمومی دولتی صورت می گیرد می تواند از ابتدائی ترین نکات قابل طرح در این زمینه باشد. بحث مهم دیگر را می توان در رابطه با ماده ۱۴۳ از ق.م.ا بیان نمود. به نام شخص حقوقی بودن عملیات سازمان یافته قاچاق انسان یا قاچاق مواد مخدر می تواند از منظر کفایت در انتساب مسئولیت کیفری موضوع بحث قضایی و حقوقی قرار گیرد. در نهایت قاعده مهم دیگر این است که در ارکان جرایم قابل استناد به اشخاص حقوقی می توان ضوابط را به طور دقیق مشخص کرد. به عنوان مثال گاه سازمان یافتگی عملکرد لزوماً در قصد و آگاهی تمام کمال از نتایج نباشد، بلکه خود مجموعه از سهل انگاری ها را شامل گردد که در نهایت به فجایی منتهی می شوند. یا بحث مهم دیگر، در مصادیق مهم، به محض احراز وقوع نتیجه نسبت به برخی بزه دیدگان، می توان نسبت به سایر اشخاص بزه دیده از مطلق بودن رفتار و عدم نیاز به نتیجه سخن گفتن، هر چند در نوع پاسخ به مواردی که هنوز محقق نشده اند تفکیک قائل شد و بیشتر از پاسخ های غیر کیفری ترمیمی استفاده نمود.

۲.۳. تناسب کیفر با نوع نقش حقوق بزه دیدگان از سوی اشخاص حقوقی

با توجه به ویژگی اشخاص حقوقی دامنه انتخاب سیاست گذار جنایی در میان مجازات های سلب حیات، سلب آزادی، مجازات بدنی و مجازات مالی مطرح است. در حقوق کیفری کشورهای پیشرو، از جمله فرانسه، آمریکا و انگلستان، مجازات سالب حیات، حتی در موارد کلاهبرداری شرکتی کلان از جمله پرونده مدوف^۲ (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳۷ و همچنین ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲، ۱۶۰)

۱. ماده ۱۴۳- در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

2. Bernard Madoff

مورد استفاده قرار نگرفته است. مجازات‌های بدنی نیز در رابطه با جرایم مبتنی بر انتفاع مالی و یا جرایم مبتنی بر تخلف از ضوابط و متناسب نیست و هیچ یک از کشورهای مورد اشاره بدین سمت سوق پیدا نکرده‌اند. بنابراین تنها انتخابی که برای تعیین مجازات نسبت به این رفتارها وجود دارد حبس و جزای نقدی است.

بر همین اساس، می‌توان پولشویی از مجرای شرکت‌ها را نوعی جرایم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی تلقی کرد که قانونگذار مجازات آن به موجب ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۶ محکومیت به جزای نقدی و استرداد عواید حاصل از آن دانسته است.^۱ مثال دیگر رفتارهای خلاف روبه‌های کسب و کار در تولید محصولات و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان است، که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ علاوه بر توجه به جبران خسارت مدنی، به پرداخت جزای نقدی نیز در مواد ۱۸ و ۱۹ حکم داده است.^۲ در مواردی نیز سیاستگذاران به اهمیت هم‌عرض جزای نقدی با حبس تأکید نموده است. به عنوان مثال در صدر ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ بدین شرح به این اهمیت هم‌عرض توجه نموده است. ایجاد دامنه‌ی انتخاب میان حبس و جزای نقدی در این ماده، تعیین تکلیف را در قالب اصول عام تعیین کیفر فردی و متناسب با جرم ارتكابی به محاکم و رویه‌ی قضایی واگذار نموده است. همچنین توزیع مجازات متناسب کیفری و نه لزوماً تأکید بر جزای نقدی که در خصوص شرکت‌های بزرگ متولی امور کسب و کار کارآیی چندانی ندارد، مورد تأکید برخی مطالعات بوده است.

مؤلفه دیگر آن است که می‌توان در مواردی که جرایم اشخاص حقوقی به شکل سازمان‌یافته رخ داده‌اند از تفکیک کیفر بر اساس نوع و معیار ارتکاب سخن گفت. از یک طرف وقوع اکثر

برای مطالعه‌ی بیشتر این پرونده رک (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳۷ و همچنین ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲، ۱۶۰)

۱. ماده ۹ - مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد.

۲. ماده ۱۸ - چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹ - عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگانی که مبادرت به تخلفات موضوع مواد (۳) الی (۸) این قانون نمایند در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف‌کنندگان علاوه بر جبران خسارت وارده به جزای نقدی حداکثر معادل دو برابر خسارت وارده محکوم خواهند شد.

تبصره - در صورتی که عرضه‌کنندگان کالا و خدمات از ایفاء هر یک از تعهدات خود در قبال خریدار خودداری کرده و یا آن را به صورت ناقص و یا با تأخیر انجام دهند مکلفند علاوه بر انجام کامل تعهد، خسارت وارده را جبران نمایند.

جرایم در این حوزه بُعد انتفاعی دارند و از طرف دیگر، دسته ی دیگری از جرایم در این حوزه به صرف عدم رعایت سهوی یا عامدانه‌ی ضوابط تعریف شده جرم انگاری شده‌اند و بحث انتفاع در آنها مطرح نیست. بر مبنای همین تفکیک، می‌توان نوعی تفکیک دوگانه‌ی کیفرگذاری را قائل شد، که اصل بر تعیین جزای نقدی نسبت به جرایم اشخاص حقوقی است، اما در مواردی که عامدانه رفتاری ارتکاب یابد و در اثر آن رفتار نیز انتفاعی ایجاد گردد، لازم است که بسته به میزان انتفاع، حبس در درجه‌ی اول مجازات متناسب مدنظر قرار گیرد. چنانچه این امر، در مرحله‌ی تقنین و سیاستگذاری جنایی محقق نگردد، لازم است که از سوی قانونگذار طی دستورالعملی برای محاکم ذیصلاح، این تفکیک در تعیین مجازات به عنوان راهبردی عملی، ایجاد و نهادینه گردد. در آخر می‌توان به شکلی خاص تر از نوعی پیشنهاد راهبردی در رابطه با تضمین حداکثری تناسب پاسخ کیفری با رفتارهای مجرمانه‌ی اشخاص حقوقی ناقض حقوق مصرف‌کنندگان سخن گفت. با توجه به ملاحظات فوق‌الذکر و با نظر به وسعت حقوق مصرف‌کنندگان و جرایم مرتبط، طبقه بندی کیفر بر اساس نتایج حاصله را می‌توان به عنوان عاملی در راستای توزیع متناسب‌تر پاسخ‌های کیفری مدنظر قرار داد. نتایج نیز، بسته به تحقق یا عدم تحقق آنها و نیز بسته به نوع نتیجه، دامنه و گستره‌ی آن و نیز تعداد متضرران آن رفتار قابل طبقه‌بندی هستند. از این حیث نه تنها می‌توان میزان ضرر و نقض حقوق اشخاص مصرف‌کننده را مشخص ساخت بلکه علاوه بر آن مدل قابل قبولی در پاسخ کیفری بوجود خواهد آمد.^۱ نکته‌ی مهم دیگر آن است که در جرایم ناقض حقوق مصرف‌کنندگان از سوی اشخاص حقوقی می‌توان شمول مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی و شرایط مقرر در این مجازات‌ها را متفاوت تعیین نمود و در عین عدم وجود ممنوعیتی برای اعمال این مجازات‌ها اما باید نوع دستورات و محرومیت‌ها را به سمت احیای حقوق مصرف‌کنندگان جهت داد.^۲ به نظر می‌رسد در نظم حقوقی فعلی با توجه به آنکه مواد ۲۳ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی بیشتر ناظر به جنبه سزا دهی و فایده‌گرایانه با توجه به شخصیت و فردیت اشخاص حقیقی وضع شده‌اند در مورد اشخاص حقوقی کاربرد نداشته باشند. البته نمونه‌هایی مبتنی بر ممنوعیت فعالیت یا لغو پروانه در برخی

۱. اینکه جرایم حوزه‌ی کسب و کار می‌توانند مشمول جرایم تبعی و یا تکمیلی گردند می‌توان عنوان نمود که چنانچه شرایط مقرر در این مجازات‌ها وجود داشته باشند ممنوعیتی برای اعمال این مجازات‌ها وجود ندارد.

۲ به عنوان مثال می‌توان به ماده ۲۰ از قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اشاره کرد «مراجع ذی صلاح رسیدگی کننده می‌تواند علاوه بر مجازات‌های مقرر قانونی، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات یا تولیدکنندگان و فروشندگان را مجبور به جمع‌آوری کالاهای عرضه شده به منظور تعمیر و اصلاح و رفع عیب کالاهای فروخته شده یا خدمات عرضه شده نمایند».

از قوانین خاص وجود دارند. برای مثال ماده ۵ قانون قاچاق مصوب ۱۳۸۳ مقرر داشته است که چنانچه مؤسسات و شرکتهای خصوصی به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازاتهای مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز آنها ابطال میگردد. یا ماده ۲۵ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ به داروخانه‌هایی مربوط می‌شود که در یک منطقه منحصر به فرد بوده و به علت تخلف موقتاً تعطیل گردیده و پروانه تأسیس از متخلف سلب شده است. در چنین شرایطی قانون‌گذار به عنوان مجازات تکمیلی حق گرفتن مجدد پروانه را از متخلف به مدت پنج سال سلب نموده است؛ یعنی در این جا قانونگذار علاوه بر تحمیل مجازات اصلی (تعطیلی موقت داروخانه و ابطال پروانه) مرتکب را به مدت پنج سال از گرفتن مجدد پروانه تأسیس داروخانه محروم نموده است.

۳.۳. توجه به جبران خسارت از بزه دیدگان در کنار کیفر اشخاص حقوقی^۱

نظر به انواع مختلف جرایم سازمان یافته و بزه دیدگان گسترده‌ای که دارد، که بعضی بالقوه و در آینده رخ می‌دهند، می‌توان اهمیت مضاعف توجه به جبران خسارت را مدنظر قرار داد. جبران خسارت به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای جبرانی در مواد ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۱۶ چنین مقرر شده است که: «مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف کننده با تشخیص مرجع رسیدگی کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف کننده شده است. در مورد شرکتهای خارجی علاوه بر شرکت مادر، شعبه یا نمایندگی آن در ایران مسؤول خواهد بود». گستردگی توجه جبرانی نسبت به شخصیت‌های حقوقی خارجی نیز پرده از نگاه مترقی این قانون برمی‌دارد. در تبصره این ماده که اساسی ترین نکته را متذکر ساخته است چنین مقرر شده است که «در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ولی مسئولیت جزایی متوجه مدیرعامل و یا مدیر مسؤول شخص حقوقی است». توجه مسئولیت به اموال شرکت و یا شخص حقوقی نکته ی بسیار مهمی است که سرعت در احیای حقوق مصرف کنندگان را به دنبال خواهد داشت. ماده ۴ قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو ۱۳۸۶ نیز به این مهم توجه کرده است. اما به طور کلی اساس بحث جبران خسارت این است که در جرایم مهمی چون جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی، سازوکار اجرایی و شکلی این جبران جنبه قانونی و جزئیات آن

1. Ensure that victims of corporate crimes are able to obtain effective remedies

مشخص گردد. اینکه این جبران در قالب دعوی خصوصی و همانند تشریفات طرح ضمن دعوی کیفری یا در مرجع حقوقی باشد نشان از کلیت دارای چالش و ابهام است. زیرا جرایم مهمی از این قبیل، به‌ویژه برای حمایت از آن دسته بزه‌دیدگان ناآگاه و یا به صورتی مهم تر بزه‌دیدگان آینده‌ای که هنوز شکایت ننموده‌اند، نیازمند تحول فرایند شکلی جبران است. به علاوه اینکه نوع جبران خسارت و نگاه التیام بخش به موجب آن نیز از محوریت قابل توجهی برخوردار است. در این راستا ماده ۲۰ ق.م.ا، به دلیل عدم توجه به جبران خسارت و صرف تأکید بر جزای نقدی به عنوان درآمدی برای دولت قابل نقد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه مجرمان سازمان یافته در رویکرد نوین خود با نام اشخاص حقوقی اقدام به ارتکاب جرایم مختلف خود می‌نمایند و با توجه به جهانی شدن اقتصاد و محدود نبودن فعالیت‌ها به کشوری واحد سودهای قابل توجهی به دست می‌آورند. قاچاقچیان مواد مخدر در قالب شرکت‌های دارویی، قاچاقچیان اعضای بدن در قالب برخی شرکت‌های مرتبط با بهداشت و آموزش پزشکی، واردات خودروهای مسروقه، واردات کالاهای ناقض سلامت با اطلاعات جعلی به کشورهای مختلف از جمله مصادیق فراملی جرایم سازمان یافته اشخاص حقوقی هستند. این امر فارغ از هزاران مصداقی که دارد در درون کشور و با بستر شرکت‌ها و اشخاص حقوقی روی می‌دهد. از این حیث در کشورها، از جمله کشور ما امروزه با نظر به توجه و توسل ابتدایی روزافزون قانونگذاران به حقوق کیفری در راستای مقابله با جرایم اشخاص حقوقی در نقض حقوق مصرف کنندگان به رویکرد عملیاتی سیاستگذاران جنایی تبدیل شده است. اگرچه این نگرش، با لزوم حفظ سلامت و پویایی اقتصاد در تضاد است، اما ورود بزهکاران سازمان یافته به این عرصه، تحول در راهبردها و اصول ناظر به سیاستگذاری کیفری را در راستای حمایت حداکثری از بزه دیدگان را متحول ساخته است. به همین دلیل نگرش راهبرد مدار التزام قانونگذاران به مقدمات ماقبل از جرم انگاری و کیفرگذاری، راهبردهای ناظر به تعیین مجازات و راهبردهای کنترل شکلی جرایم اشخاص حقوقی را ایجاد می‌نماید. به موجب این راهبردهای سه گانه در ابتدا لازم است که قانونگذاران در پرتو عدم التزام به اصل حداقل بودن کنترل کیفری و امنیتی سازی رویکرد جرم انگاری جرایم اشخاص حقوقی ناقض حقوق اشخاص را مدنظر قرار دهد و در پرتو آن جامعیت بخشی به پاسخ‌ها و راه‌حل‌های مدنی و سپس اداری انتظامی را قانونگذاری نمایند. گستره‌ی پاسخ‌های مدنی و اداری انتظامی در مقررات مرتبط با حمایت از حقوق اشخاص موضوع جرایم سازمان یافته قابل توجه است، اما فرآیند شکلی و تخصیصی تأمین و احیای حقوق

نقض شده به ویژه جبران خسارات آنان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. حال در قالب جرم انگاری رفتارها، اگرچه بسیاری از رویه های مغایر اصول و ضوابط عملکرد اشخاص حقوقی جرم انگاری شده اند، اما پراکندگی قوانین و نیاز ویژه به قانون جامع با سازوکار مشخص حمایتی از بزه دیدگان اشخاص حقوقی از جمله ایرادات اساسی این کنترل کیفری است. این ایراد در کنار قدرت قابل توجه بسیاری از اشخاص حقوقی، مانند شرکت های تولید کننده خودرو و یا شرکت های مخابراتی، به نقض حداکثری حقوق اشخاص منتهی شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در حقوق ایران برقرارساختن زیرساخت های لازم در جهت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه امری زمان بر است، مقتضی است که پس از توجه ویژه به حمایت کیفری و حمایت جبرانی-حقوقی، بسترهای اعمال حمایت های پیشگیرانه به شکل مشارکتی و تقویت عملکرد پیشگیرانه از طریق نظارت و بازرسی اقدام نمود.

در خصوص موضوع پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می شوند؛

۱- سازوکارهای حمایت از اشخاص بزه دیده در جرایم سازمان یافته با استمداد از سیاست جنایی تقنینی علمی و کارآمد به توسعه حق های بنیادین و حقوق بشری قربانیان جرم توجه نماید. برای مثال در مرحله پاک کیفری راهکارهای مشخصی برای حمایت از قربانیان در اکثر نظام های حقوقی از جمله ایران وجود ندارد.

۲- از حیث حقوق شکلی نیز سیاست جنایی کرامت مدار اقتضا دارد تا قربانیان جرایم سازمان یافته بتوانند از حقوق انسانی در مراحل پیش دادرسی، دادرسی و و پس از آن از حمایت های دستگاه قضایی برای تحقق نظم عادلانه در فرایند دادرسی برخوردار شوند.

۳- توسعه روشهای پیشگیری مبتنی بر کنش گری می تواند هزینه دستگاه عدالت کیفری را تقلیل بخشد؛ زیرا قربانیان جرایم سازمان یافته علاوه بر هزینه های مادی به عنوان افراد آسیب پذیر برای ادامه حیات فردی و اجتماعی نیازمند مراقبت و درمان می باشند. از این حیث پیشگیری کنشی بیش از پیشگیری واکنشی می تواند کارا و اثر بخش باشد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۷)، «اعلام و افشای جرم اقتصادی»، *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*، امیرحسین نیازپور، چاپ اول، نشر میزان، ص ۳۳-۹.
- ابراهیمی، شهرام و صادق نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۳)، «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی»، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۲، شماره ۵ زمستان ۹۲، ص ۱۷۴-۱۴۷.

- بنسون، مایکل اس و سیمپسون، سالی (۱۳۹۱)، *جرایم یقه سفیدی رویکردی فرصت مدار، اسماعیل رحیمی نژاد، چاپ اول، تهران: نشر میزان.*
- جعفری، امین (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری کسب و کار، چاپ اول، تهران: شهر دانش.*
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران»، *پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۱۴، ص ۳۱-۸.*
- دلماش مارتی، می ری (۱۳۹۲)، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.*
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰)، *جرم شناسی، چاپ دوم، تبریز: انتشارات فروزش.*
- شریفی، محسن (۱۳۹۵)، *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.*
- قاسمی حامد، عباس و فلاح، آرزو (۱۳۹۳)، «دعوی گروهی و تاثیر آن بر حقوق مصرف کننده»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵، ص ۱۲۲-۸۹.*
- موسوی مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، *پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۱۶۹-۱۴۷.*
- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۳)، «بزهکاران یقه سفید»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره هشتم، شماره سوم، ص ۸۳-۶۱.*
- میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۰)، *حقوق بازار اوراق بهادار (بخش اختلافات)، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.*
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، *درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، تهران: نشر نوین برتر.*
- Croall, Hazel (2009), "White collar crime, consumers and victimization", **Crime Law Social Change**, 51,127-146
- Ronald, Goldstock (1994), "Organised Crime in Northern Ireland. A Report for the Secretary of State and Government Response", London: **The Stationery Office Limited**
- Binnie Justice Ian, et. al (2016), "The corporate crimes principles: advancing investigations and prosecutions in human rights cases", 1/5 /2020, <https://www.business-humanrights.org/en/latest-news/the-corporate-crimes-principles-advancing-investigations-and-prosecutions-in-human-rights-cases/>



Karen, Kramer (2010), “Witness protection as a key tool in addressing serious and organized crime”, 22/11/2019. Fourth GG Seminar, https://www.unafei.or.jp/publications/pdf/GG4/Fourth_GGSeminar_P3-19
Newburn Tim, Williamson Tom, and Wright Alan (2007), **Handbook of Criminal Investigation**, First published, New York: Willan Pub
McLaughlin Eugene and Muncie John (2017), **The SAGE dictionary of criminology**, first published, london, SAGE publications LTD